

معرفی سبک مقبره‌سازی متصوفه آذربایجان

دکتر سیدهاشم حسینی*

استادیار باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی، دانشکده علوم انسانی (پردیس نمین)، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۳/۲۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۶/۳)

چکیده:

خطه آذربایجان به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق سرزمین ایران و همچنین خاستگاه صفویان و مذهب تشیع، نقش مهمی در توسعه و تکامل سنت مقبره‌سازی اسلامی داشته است. به نظر می‌رسد طی دوران ایلخانی در این منطقه، سبک خاصی از معماری تدفینی در قالب مقابر برجی شکل تکوین یافته است که میانی آن ریشه در تصوف اسلامی بخصوص مکتب شیخ زاهد گیلانی و شیخ صفی الدین اردبیلی از عرفای نامی قرون هفتم و هشتم هـ.ق دارد. از مهمترین نمونه‌های برجی مانده این سبک می‌توان به مقبره شیخ صفی الدین در شهر اردبیل، مقبره منسوب به شیخ حیدر در مشکین شهر و مقبره بردع توره سی در جمهوری آذربایجان اشاره کرد که به لحاظ ویژگی‌های طراحی و تزئینی از شباهت‌ها و ویژگی‌های خاصی برخوردارند. تحقیق کنونی به بررسی و تحلیل ویژگی‌های معماری و تزئینی این مقابر پرداخته و سعی دارد با تعیین تاریخچه زمانی ظهور این فرم از معماری در منطقه آذربایجان بر اساس بررسی‌های باستان‌شناختی، به ابعاد مختلف سبک مزبور دست یابد. بنابر یافته‌های تحقیق، از مهمترین مصادیق این سبک می‌توان به شیوه خاص تزئین جداره بیرونی مقابر بصورت کتیبه بنایی الله به عنوان ذکر افضل و مداوم متصوفه و نیز شیوه طراحی پلان اشاره نمود که در مقاله به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی:

معماری اسلامی، مقابر برجی شکل، تصوف اسلامی، دوران ایلخانی، آذربایجان.

* تلفن: ۰۹۱۴۱۵۵۶۰۷۷، نمابر: ۰۴۵۲-۲۲۲۲۹۵۳-۰۴۵۲. E-mail: h Hoseyny@uma.ac.ir

مقدمه

یکی از مهمترین ادوار ساخت این مقابر مربوط به سده‌های هفتم و هشتم هجری یعنی دوره حکومت ایلخانان مغول می‌باشد. طی این دوره با توجه به مرکزیت حکومت ایلخانان در منطقه آذربایجان و توجه خاص سلاطین مغول به عرفا و مشایخ متصوفه، منطقه آذربایجان به عنوان یکی از مراکز مهم تصوف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود و مقابر برجی شکل ارزشمندی با مشخصاتی ویژه برای صوفیان ساخته می‌شود.

پژوهش حاضر به بررسی مشخصات معماری و تزئینی سه مقبره دوران ایلخانی مشتمل بر مقبره شیخ صفی در شهر اردبیل، قراباغ جمهوری آذربایجان می‌پردازد. نگارنده نحوه ساخت و تزئین این بناها را بصورت مستقیم مرتبط با جریانات تصوف اسلامی قرون هفتم و هشتم هجری می‌داند و معتقد است با توجه به این ویژگی‌ها می‌توان از سبک جدیدی تحت عنوان سبک مقبره سازی متصوفه آذربایجان در قلمرو سبک آذری نام برد که در برخی از موارد مشابه دوره اول سبک آذری و در برخی از موارد هم متفاوت با آن می‌باشد. لازم به ذکر است که در این تحقیق، تمرکز بیشتر بر روی مقبره شیخ صفی به عنوان نقطه اوج و نمونه شاخص این سبک صورت گرفته و شیوه تحقیق نیز بصورت تاریخی، توصیفی و تحلیلی در کنار کار میدانی می‌باشد.

ساخت مقابر در معماری دوران اسلامی بعنوان جلوه‌ای از باورها و آیین‌های مربوط به پاسداشت مردگان، توأم با سایر بناهای مذهبی دیگر از جمله مساجد آغاز شد و تقریباً به موازات آن پیش رفت. شیوه‌های مختلف ساخت این مقابر از نظر ساختاری تحت تاثیر عوامل مختلف فرهنگی و مادی، راهی همگام با آیین‌ها و باورهای جامعه پیموده است. هر چند مسئله احکام مقابر در فقه اسلامی آراء مختلف و متفاوتی را به خود اختصاص داده است، اما حضور تعداد بسیار زیاد این بناها در بسیاری از کشورهای اسلامی نشان از جایگاه ویژه این ابنیه در جامعه اسلامی دارد.

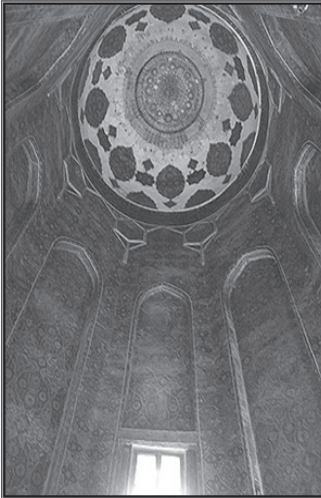
در ایران دوره اسلامی نیز، بناهای آرامگاهی بعد از مساجد در شمار پر تعدادترین آثار معماری قرار دارند. ساخت این بناها که از سده چهارم هجری قمری به بعد، با پدید آمدن سلسله‌های مختلف محلی در شرق و شمال ایران رواج یافت، طی دوره‌های بعدی اسلامی تداوم یافت. نکته مهم در رابطه با این ابنیه، ارتباط و ویژگی‌های ساختاری و تزئینی آنها با فرد متوفی است؛ بدین معنا که افراد عادی از مقابر ساده و افراد مطرح جامعه از مقابر شاخص‌تری برخوردار بوده‌اند. به گواهی تاریخ همواره مقابر بزرگان مذهبی در طول دوران‌های بعدی نیز اهمیت خود را حفظ کرده و گاهی گسترده‌تر شده‌اند بطوریکه بعد از مدتی به مجموعه‌های مذهبی حاوی بناهای متعدد تبدیل شده‌اند.

۱- مقابر برجی شکل

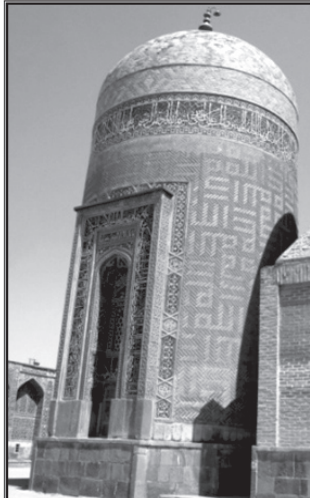
آرامگاه‌های پیر علمدار مورخ ۴۱۷ هجری، چهل دختران مورخ ۴۴۶ هجری، برج مهماندوست مورخ ۴۹۰ هجری و برج طغرل ۴۵۵ هجری در این دوران بر طبق روش اهل سنت، آرامگاه‌های ائمه اطهار (ع) بندرت در شمار برج‌های مقبره‌ای جای می‌گیرد (هیلن براند، ۱۳۶۶، ۱۰۸-۸۱). طی دوره ایلخانی به عنوان آخرین دوره رونق مقابر برجی شکل، بر ارتفاع این مقابر افزوده و برخی ویژگی‌های بومی و منطقه‌ای نیز در معماری و تزئین آنها لحاظ گردید. در این مقابر اجساد یا در زیر سنگ قبر منقش در مرکز اتاق و یا در دخمه‌های طاقدار موسوم به سرداب دفن می‌شدند (ویلبر، ۱۳۷۴، ۳۷). شالوده مقابر مورد بررسی در تحقیق پیش رو نیز همگی مربوط به دوره ایلخانی است که یکی از ادوار باشکوه مقبره‌سازی دوران اسلامی را تشکیل می‌دهد. از جمله شواهدی که نشان دهنده اهمیت ساخت مقابر طی دوره مزبور بوده کتاب «الاحیاء والآثار» خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از وزیران برجسته این دوره است که فصل بیست و یکم این کتاب حاوی اطلاعات مفیدی در مورد مسائل مربوط به ساخت این ابنیه است (همان، ۴۵).

هرسه مقبره مورد بررسی در دسته برج‌های مقبره‌ای یا مقابر برجی شکل جای می‌گیرند که عمده‌ترین و رایج‌ترین نوع آرامگاه‌های ایران دوران اسلامی محسوب می‌شود. هر چند در اوایل دوران اسلامی ساخت مقابر در قالب چهار ضلعی نمایان گشت ولیکن در اواخر قرن چهارم هجری مقابر برجی شکل بر آن برتری یافت. گنبد قابوس به تاریخ ۳۹۸ هجری نخستین بنای باقی مانده از مقابر برجی شکل ایران است که به عنوان الگویی برای سایر مقابر با نقشه‌های دایره و یا ستاره شکل شناخته می‌شود (مشکواتی، ۱۳۴۹، ۱۸۹).

مقابر برجی در شکل اولیه خود به صورت استوانه بلندی می‌باشد که بامی مخروطی شکل یا اصطلاحاً رُک آن را می‌پوشاند. این نوع بنا در سه سده بعد هم‌زمان با حکومت سلجوقیان، مبنای یکی از فرم‌های اصلی معماری در ایران و سپس در آسیای صغیر شد (رایس، ۱۳۸۱، ۶۶). در این دوره ترحیح برج بر بنای چهار گوش به حدی قوت گرفت که در واقع همه انواع آن را می‌توان طی قرون پنج و شش هجری یافت. بخش عمده‌ای از این برج‌ها برای پادشاهان و حاکمان وقت و همچنین برای مقدسین ساخته می‌شد؛ مانند برج آرامگاهی در مراغه و



تصویر ۲- نمای فضای هشت ضلعی داخلی مقبره شیخ صفی.



تصویر ۱- نمای کلی مقبره شیخ صفی از سمت جنوب شرق.

به لحاظ ویژگی‌های تزئینی مقابر برجی، در اوایل بیشتر منحصر به تزئینات آجرکاری در نمای خارجی بوده که در آن از تزئینات ساده هندسی استفاده شده بود. نمای داخلی این مقابر عموماً ساده و دارای پوشش گچی بوده است. طی دوره سلجوقی از نقش اندازی‌های تزئینی در بدنه‌های ساختمان‌ها استفاده و حاصل آن انواع بیشماری از تزئینات هندسی متنوع می‌باشد. برج‌های خرقان و دماوند و مقابر مراغه از نمونه‌های قابل توجه این گونه تزئینات می‌باشد (شهریاری، ۱۳۷۷). طی دوره ایلخانی نیز خطوط کوفی بنایی با استفاده از کاشی‌های یکرنگ و آجرهای لعابدار، شکوه و زیبایی این مقابر را افزایش دادند.

۲- مقابر متصوفه آذربایجان

۲-۱- مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۷۳۵ ه.ق):

مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیای بزرگ دودمان صفویان که امروزه به گنبد «الله الله» معروف است به تصریح «شیخ حسین ابدال زاهدی» در «سلسله النسب»، توسط جانشین و پسر شیخ یعنی «صدرالدین موسی» ساخته شد (ابدال زاهدی، ۱۳۴۳، ۳۹). اولتاریوس نیز ساخت مقبره شیخ را در سال ۷۳۵ ه.ق به دستور شیخ صدرالدین موسی و توسط معماری از شهر مدینه با نقشه خود شیخ صدرالدین می‌داند (اولتاریوس، ۱۳۷۹، ۴۹۹).

از آنجا که اغلب اولاد شیخ صفی دارای شوکت و اقتدار بودند، در تکمیل و تزئین مدفن وی کوشش کردند و بخصوص در ادوار شاه طهماسب و شاه عباس اول بناهای مهم دیگری به مقبره وی افزوده شد (کیانی، ۱۳۷۴، ۱۶۶). کمپفر جهانگرد آلمانی که بین سال‌های ۱۰۹۶-۱۱۰۵ ه.ق از ایران دیدن کرده، بقعه شیخ صفی را به لحاظ جایگاه مذهبی در مرتبه سوم اهمیت پس از حرم مطهر رضوی و حرم حضرت معصومه (ع) معرفی می‌کند (کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۳۶).

در رابطه با مشخصات معماری مقبره شیخ، می‌توان گفت بنایی است برج‌مانند به ارتفاع ۱۷/۵ متر که از بیرون بصورت مدور با قطر تقریبی ۶ متر و محیط ۲۲ متر و از داخل بصورت هشت ضلعی طراحی شده و گنبدی پیازی شکل بر فراز آن قرار گرفته است. با توجه به ارتفاع نسبتاً زیاد این مقبره که شکل برج را در نظر مجسم می‌سازد، به نظر می‌رسد معمار، مقبره را به گونه‌ای طراحی کرده که از اندام‌های دیگر بافت شهری نمایان‌تر باشد و این امر با فلسفه وجودی مقبره به عنوان یک بنای مذهبی مطابقت دارد. لازم به ذکر است که مقبره در اصل بنایی آزاد و مجزا بوده ولی در ادوار بعدی بوسیله یک طاقنمای عمیق از ضلع شمالی به تالار دارالحفاظ یا قندیلخانه بقعه ملحق گردیده است.

مهمترین تزئینات مقبره شیخ صفی را کتیبه‌هایی تشکیل می‌دهد که اغلب مشتمل بر متون قرآنی و حدیثی و اسماء الله است و با کاشی معرق یا خط بنایی بر قسمت‌های مختلف مقبره نقش بسته است. مهم‌ترین بخش این تزئینات خطوط کوفی بنایی بدنه خارجی مقبره است که با متن مقدس الله متبرک گشته و به خاطر تکرار زیاد این کلمه مبارک، گنبد مزار شیخ به نام «گنبد الله الله» شهرت یافته

است. بی تردید این کتیبه یک نمونه بسیار عالی از فن تلفیق آجر و کاشی در اواخر قرن هشتم ه.ق است. در کتیبه مزبور کلمه سرالسر با آجرهای لعابدار فیروزه‌ای (احتمالاً قدیمی‌ترین نمونه‌های کاشی در بقعه) با مهارت و ظرافت خیلی زیادی به خط کوفی بنایی و به صورت عمودی و افقی در بدنه آرامگاه تعبیه شده است. چنین شیوه کتیبه‌نویسی در بناهای مذهبی دوران ایلخانی از بارزترین و شناخته شده‌ترین سبک‌های تزئین اینیه بوده است (گلمغانی زاده و یوسفی، ۱۳۸۴، ۳۶۳).

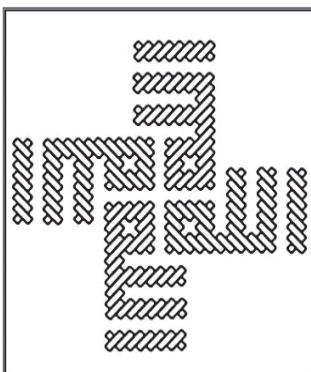
در جداره بیرونی گنبد الله الله علاوه بر کتیبه بنایی مزبور، کتیبه دیگری بر فراز ساقه گنبد، زیر پاتاق گنبد، به شیوه دو خطی ثلث و کوفی با مفاد قرآنی نقش بسته است. کتیبه نواری مورد نظر به عرض ۹۵ سانتی متر و با دو حاشیه معرق به عرض ۳۰ سانتیمتر متشکل از طرح برگ نخل و غنچه‌های مسبک است که دور تا دور آرامگاه را در برمی‌گیرد. کتیبه فوقانی به خط کوفی طلایی و کتیبه تحتانی به خط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی کار شده است. بر فراز کتیبه نواری مورد بحث و در زمینه آجری گنبد نیز طرح‌های هندسی تزئینی با طرح لوزی‌های بزرگ و کوچک با استفاده از کاشی فیروزه‌ای، یک در میان تعبیه شده است. لازم به یادآوری است در جایی که طاق گنبد شروع می‌شود یک نوار نازک تزئینی با طرح‌های ساده هندسی قرار دارد که چنین سبک تزئینی در مقبره بردع توربه سی که در ادامه به مشخصات آن خواهیم پرداخت نیز دیده می‌شود.

کتیبه نواری دو خطی ثلث و کوفی مورد نظر با عبارت بسم الله الرحمن الرحیم شروع شده و با آیات ۱۸ و ۱۹ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۶۵ سوره غافر^۲ و آیات ۱۰۳ و ۱۰۲ سوره مبارکه انعام^۳ ادامه می‌یابد. در قسمت بالای کتیبه ثلث فوق‌الذکر نیز کتیبه دیگری به خط کوفی از متن آیه ۱۹ سوره شوری^۴ نگارش شده است.

از دیگر متون مقبره برجی شکل شیخ صفی کتیبه‌های قاب سردر ضلع سمت قبله است. در این قسمت و اطراف آن کتیبه‌هایی از جنس کاشی معرق وجود دارد که به خط ثلث و کوفی در میان اسلیمی‌های دوار نقش بسته است. در دورترین حاشیه ورودی سمت قبله و در دو طرف آن به طرز متقارن ۶ لوح، هر سمت ۳ لوح، و دو لوح دیگر

صفی الدین و روی قبر، یک صندوق منبت کاری گران بها وجود دارد که ترصیعی زیبا از عاج دارد. در حاشیه بالای سطوح جانبی صندوق، در یک کتیبه مفصل از شیخ صفی نام برده شده است. گفته می شود این صندوق چوبی مزین به خاتم، منبت و معرق کاری، هدیه همایون امپراتور مغولی هند (۹۶۳-۹۳۶ هجری) به بقعه می باشد (صفری، ۱۳۷۱، ۴۹).

باتوجه به مشخصات بنا بخصوص در زمینه تزیین به آسانی می توان دریافت که برخی از تزیینات در ادوار بعد از ساخت بنا صورت گرفته است. از جمله به اعتقاد فردریش زاره، تزیینات قاب پنجره های مقبره شیخ به شکل کاشیکاری معرق و کتیبه خطی گرداگرد آن چنان تطابقی با تزیینات دوره های بعدی دارند که باید بپذیریم متعلق به قرن های نهم و دهم هجری هستند (زاره، ۱۳۸۵، ۴۷). لازم به ذکر است که در گنبد الله به جز شیخ، سه نفر دیگر نیز مدفون هستند: صدر الدین موسی فرزند وی و بانی بقعه، شیخ ابراهیم معروف به شیخ شاه فرزند خواجه علی و سلطان حیدر پدر شاه اسماعیل که در جنگ با شروانشاهان کشته شد.



تصویر ۶- طرح گرافیکی کتیبه بنای الله در بدنه خارجی مقبره شیخ صفی.



تصویر ۵- پلان مقبره که از بیرون دور در داخل به شکل هشت ضلعی طراحی شده است.

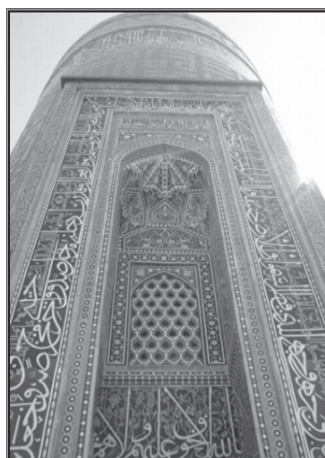
۲-۲- مقبره شیخ حیدر (۷۳۱ ه.ق):

مقبره منسوب به سلطان حیدر یا شیخ حیدر (پدر شاه اسماعیل اول) که تحت شماره ۱۸۴ به ثبت آثار باستانی ملی رسیده، بنایی است برج مانند، در مرکز مشگین شهر کنونی که سابقاً محل قبرستان قدیمی شهر بوده است. با توجه به تخریب کتیبه موجود بر سر در ورودی مقبره هیچ سند و مدرکی دال بر تاریخ احداث آن در دست نبود ولی باتوجه به بازخوانی کتیبه مزبور که در سال های اخیر توسط آقای عبدالله قوچانی کارشناس سازمان میراث فرهنگی کشور صورت گرفت، ساخت آن را به سال ۷۳۱ هجری یعنی دوره حکومت ابوسعید بهادرخان آخرین حکمران سلسله مغول در ایران نسبت می دهند.

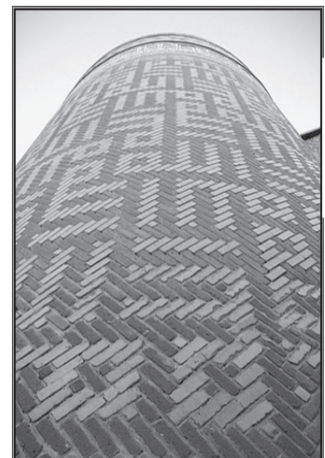
به لحاظ مشخصات معماری و تزیینی، نمای خارجی بنا به شکل برج بلند استوانه ای با محیط قاعده ۳۴/۵ متر و به ارتفاع تقریبی ۱۷/۵ و قطر ۱۰/۵ متر است که در چهار سوی آن نمای درگاه ماندنی با تزیینات کاشیکاری تعبیه شده است. خارج بنا استوانه ای ولی داخل آن، دوازده ضلعی منتظم با طول هر ضلع ۲/۲ متر است (معصومی،

در قسمت بالا تعبیه شده، که در هر یک از این الواح شش ضلعی که تلفیقی از آجر و کاشی معرق است، عبارات قرآنی و حدیثی به خط کوفی موشح درج شده است. متن کتیبه اول سمت راست شامل حدیثی از پیامبر (ص) بدین مضمون است: «قال علیه السلام الدعاء من العباده». سایر کتیبه های احادیث پیامبر (ص) از بالا به پایین بدین شرح می باشد: «اللهم احینا مسکینا و توفنی مسکینا و احشرنی فی زمره المساکین.» و «قال علیه السلام: افضل الذکر لاله الا الله» (همان، ۳۶۹-۳۶۴).

احادیث مزبور دارای مضمون دعایی بوده و اشاره به فضیلت فقر بعنوان یکی از مهمترین مقامات عارفان (سجادی، ۱۳۷۰، ۳-۴۰۲) و نیز فضیلت ذکر «لا اله الا الله» بعنوان ذکر همگانی و افضل صوفیان و عرفای اسلامی دارد.



تصویر ۴- نمای نزدیک تزیینات کاشیکاری و کتیبه های پیش طاق مقبره.



تصویر ۳- نمای نزدیک تزیینات آجری با کتیبه بنای الله در بدنه مقبره.

در داخل یکی دیگر از الواح شش ضلعی واقع در طرفین ضلع مقابل در قبله، حدیث دیگری از احادیث نبوی بدین مضمون: «قال علیه السلام افضل الذکر الحمد لله» درج شده است. در اینجا نیز مجدداً به اهمیت ذکر و فضیلت شکر در قالب «الحمد لله» اشاره شده است که هر دو از مفاهیم پایه ای عرفان محسوب می شوند. در کنار کتیبه های فوق، کتیبه دیگری در قاب مستطیلی پیشانی طاق در قبله شامل بخش هایی از آیه ۱۹ سوره محمد (ص) آمده است. کتیبه دیگری نیز در ضلع سمت قبله در قسمت قاب مستطیلی شامل آیات ۶۲ و ۶۳ و قسمتی از آیه ۶۴ از سوره مبارکه یونس (ع) واقع است (گلمغانی زاده و یوسفی، ۱۳۸۴، ۲۷۶-۳۷۰).

سطح داخلی این مقبره نیز با آیات فراوان و نقاشی روی پوشش چرمی و مقرنس کاری در سقف، تزیین یافته است. سطح درونی گنبد به رنگ سفید می باشد که در وسط آن طرح شمسه شانزده پرده شرفه دار و هشت عدد ترنج و نیم ترنج نقاشی شده روی پارچه مشاهده می شود (رجبی اصل، ۱۳۸۱، ۶۰).

تزیینات مزبور به روش گچبری پنهان که از روش های رایج تزیین گچبری در ادوار ایلخانی و صفوی محسوب می شده، انجام گرفته است (گلمغانی زاده و یوسفی، ۱۳۸۴، ۴-۱۴۳). درون برج مقبره شیخ

۲-۳- آرامگاه بردع توربه سی (۷۲۲ هـ.ق):

برَدَع ۱۰ یا بَرَدَعه واقع در شمال رود ارس در ناحیه قراباغ، نام بخشی در جمهوری آذربایجان و در مرکز این جمهوری است. مرکز این بخش شهر بردع است که تختگاه کهن سرزمین اران بوده است. برخی منابع قدیمی نام بردعه را عربی شده برده‌دار فارسی دانسته‌اند و گفته‌اند که برخی پادشاهان از فراسوی ارمنیه بردگان و اسیرانی را به این ناحیه می‌آوردند. بردع در دوره ساسانی و پس از آن در دوره اعراب شهری مستحکم در برابر حملات مهاجمین شمالی و غربی بوده است و در قرون سه و چهار هـ.ق نیز یک شهر مهم محسوب می‌شده است. شهر مزبور پس از ورود مغولان در قرن ۷ هـ.ق و انتخاب مراغه به پایتختی، محل رفت و آمد آنها بوده است (انوشه، ۱۳۸۲، ۱۲۱).

اما در رابطه با مشخصات و جزئیات معماری مقبره بردع پیش از هر چیز باید گفت به دلیل قرارگیری این مقبره در خاک جمهوری آذربایجان متأسفانه اطلاعات جامع و کاملی از آن در دست نیست اما می‌توان گفت از حیث ساختار فیزیکی و شیوه تزئین کتیبه نگاری شباهت زیادی با دو مقبره دیگر و بخصوص مقبره شیخ صفی دارد.

بنابر کتیبه واقع در بالای سردر جنوبی، این آرامگاه در سال ۷۲۲ هـ.ق توسط احمد بن ایوب بن حافظ نخجوانی ساخته شده است (غروی، ۱۳۷۶، ۲۴۸) و احتمالاً به همین مناسبت در اصطلاح محلی، این بنا را به عنوان آرامگاه احمد زاچی بنا^{۱۱} نیز می‌نامند (Aslanapa, 1979, 93-97). احمد بن ایوب به عنوان معمار آرامگاه مومنه خاتون در نخجوان نیز شناخته شده است. لازم به ذکر است که آرامگاه مزبور متعلق به مومنه خاتون همسر مسلمان هولاکوخان (۶۶۳-۶۵۱ هـ.ق) بوده و ساخت آن توسط پسر وی احمد تکودار (۶۸۳-۶۸۰ هـ.ق) آغاز شده است (شهاب نیا، ۱۳۸۷).

مقبره برجی شکل بردع بصورت استوانه‌ای آجری با ۱۴ متر ارتفاع است که بر روی پایه‌ای هشت ضلعی از چهار ردیف سنگ تراش ساخته شده است. گنبد درونی آن در ابتدا با تاج مخروطی مزین به کاشی پوشش داده شده بوده و سقف مخروطی فعلی در نیمه دوم قرن ۲۰ میلادی به بنا افزوده شده است. فضای داخلی گنبد به شکل هشت ضلعی همراه با تزئینات مقرنس و نقوش هندسی و کتیبه‌های کاشی معرق است که از دو ورودی رو به شمال و جنوب می‌توان وارد آن شد (Bosworth, 1983, 779-780).

به مانند مقابر شیخ صفی و شیخ حیدر، نمای خارجی این مقبره نیز با طرح کتیبه بنایی الله با آجر لعابدار فیروزه‌ای تزئین یافته است. تنها تفاوت کتیبه‌های فوق با مقبره شیخ صفی در میزان زاویه چرخش کتیبه‌های چهارتایی الله در کنار هم است؛ بدین معنا که در مقبره بردع بصورت مایل و در مقبره شیخ صفی بصورت قائم الزاویه اجرا شده است. این مقبره که تا حد زیادی آسیب دیده است در زیر سقف دارای مقرنس‌های گچی و در منتهی‌الیه قسمت فوقانی نمای بیرون در پایه گنبد دارای باندی سرتاسری از کاشی کتیبه بوده که متأسفانه امروز قسمت‌های ناچیزی از آن برجای مانده است.

(۱۳۸۳، ۱۲۲). داخل مقبره از دو طبقه تحتانی و فوقانی تشکیل شده است و درب ورودی سردابه در شمال برج قرار دارد که به وسیله یک راه پله بلند و راه باریک به سردابه منتهی می‌شود. طاق این قسمت بر روی ستون آجری در وسط و دیوارهای جانبی قرار گرفته و مدفن شیخ حیدر در منتهی‌الیه سردابه واقع شده است (خیایوی، ۱۳۸۰، ۱۷). نمای این بنا با آجر نره و کاشی، گره سازی شده و خط بنایی زیبایی دارد (پیرنیا، ۱۳۸۳، ۲۴۲). خط بنایی مزبور با کاشی‌های فیروزه‌ای رنگ متضمن آیات ۲۹-۲۷۹ سوره فتح و همچنین لفظ جلاله الله در اشکال مختلف است.

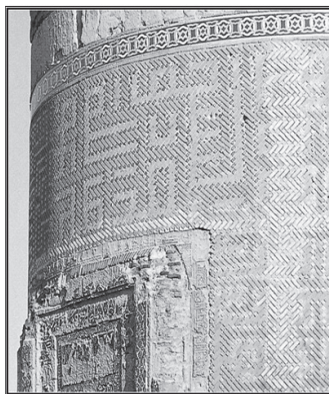


تصویر ۷- نمای قدیمی مقبره شیخ حیدر.

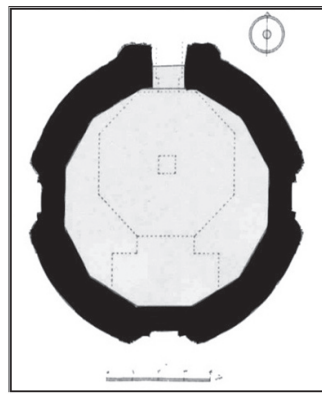


تصویر ۸- نمای قدیمی پیش طاق مقبره.

در ورودی و سه پنجره آن با مقرنس‌کاری گچی و کاشی تزئین شده است و قاب محرابی شکل بر همه جای بنا دیده می‌شود. این بنا اولین بار در سال ۱۳۳۸ مورد مرمت قرار گرفته (معصومی، ۱۳۸۳، ۱۲۳ و ۱۲۲) و هم اکنون نیز توسط میراث فرهنگی و گردشگری استان اردبیل در حال مرمت است. لازم به ذکر است که تا قبل از قرائت متن کتیبه، مقبره مزبور را بقعه الله علی الله نیز می‌گفتند. باتوجه به وفات شیخ حیدر در سال ۸۹۳ هـ.ق که طی جنگ با شروانشاهان در طبرسران در بند اتفاق افتاده و در همانجا نیز دفن شده، قاعدتاً این مقبره نمی‌تواند برای او ساخته شده باشد و احتمالاً متعلق به یک صوفی ناشناس می‌باشد.



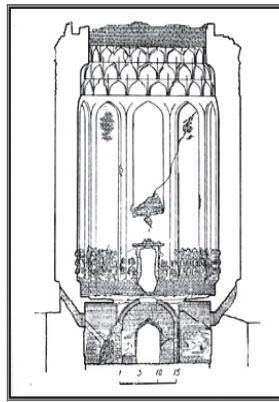
تصویر ۹- پلان مقبره شیخ حیدر.



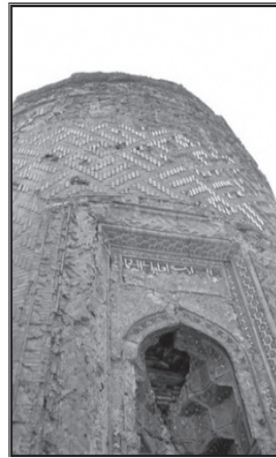
تصویر ۱۰- نمای نزدیک کتیبه‌های مقبره شیخ حیدر.



تصویر ۱۴- طرح گرافیکی کتیبه
بنایی مقبره بردع توره سی.



تصویر ۱۳- نمای مقطع
عمودی مقبره بردع توره
سی.



تصویر ۱۲- نزدیک پیش
طاق مقبره بردع توره سی.



تصویر ۱۱- نمای مقبره
بردع توره سی.

ساخته شده و از همه سمت نمایان هستند؛ هر چند در برخی موارد مانند مقبره شیخ صفی، بناهای دیگری را طی ادوار بعدی به بنای مقبره الحاق کرده‌اند. اما تفاوت آنها با سایر مقابر برجی شکل، نوع گنبد‌های بکار رفته در آنهاست که بصورت پیازی شکل دو پوشه است که متاسفانه در دو مورد کاملاً از بین رفته و پوشش‌های دیگری جایگزین آنها شده است. این درحالیست که پوشش مرسوم برای مقابر برجی شکل با این ارتفاع معمولاً بصورت مخروطی یا رُک می‌باشد. در مقایسه با مقابر چهار ضلعی و شبستان‌های گنبد دار نیز این مقابر دارای ارتفاع خیلی بیشتری نسبت به ابعاد کلی بنا بوده و نیز گنبد‌های آنها در ابعاد کوچک‌تر اجرا شده است.

از مهم‌ترین مشخصه‌های سبک معماری مقابر مزبور عبارت است از دو پیش طاق بصورت درهای ورودی و خروجی که پیش طاق‌های قرار گرفته در سمت قبله برجسته‌تر و دارای تزیینات مفصل‌تری مشتمل بر کتیبه‌ها و قاب‌های هندسی است. از موارد دیگر استفاده از پلان مدور به شکل مقابر برجی دوره‌های سلجوقی با همان ارتفاع اما با قطر کمتر می‌باشد که شباهت به مقابر قرون چهارم و پنجم هجری در منطقه طبرستان و دامغان پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، سبک مقبره سازی مقابر متصوفه آذربایجان را می‌توان ترکیبی از ساختار آرامگاه‌های اوایل دوران سلجوقی همچون برج‌های لاجیم و رسکت در مازندران و مقابر چهل دختران و پیر علمدار دامغان بعلاوه ساختار آرامگاه‌های اواخر دوران سلجوقی در منطقه آذربایجان همچون سه گنبد ارومیه و گنبد مدور مراغه دانست که در این سبک ترکیبی ارتفاع بلند و نوع گنبد را با تفاوت‌های اندک از گروه اولی و پیش طاق‌های بزرگ و برجسته را از گروه دوم اقتباس نموده است. البته همانطور که قبلاً نیز بیان شد ویژگی‌های تزیینی دوره ایلخانی و ویژگی‌های متأثر از عرفان و تصوف اسلامی بعلاوه ویژگی‌های معماری بومی منطقه نیز در تشکیل این سبک دخیل و مؤثر بوده‌اند.

باتوجه به کتیبه‌های برجای مانده نام معماران مقبره بردع (احمد بن ایوب بن حافظ نجوانی معروف به احمد زاپچی بنا) و مقبره شیخ صفی‌الدین (عوض بن محمد المرغی) مشخص می‌شود. همچنین

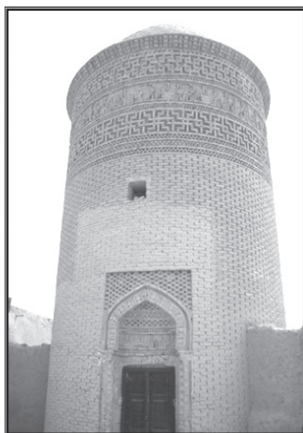
آنچه احتمال ساخت این مقبره را برای یک فرد صوفی افزایش می‌دهد رواج و نفوذ فوق‌العاده مکتب صوفیانه شیخ زاهد گیلانی (متوفی ۷۰۰ هجری) مراد شیخ صفی، مقارن ساخت بنا در این ناحیه است. بطوریکه شیخ زاهد در این نواحی از جمله در گشتاسفی (جنوب باکو) زاویه داشته و همچنین در شهر شروان صاحب مدرسه، شبستان و اراضی زیاد بوده و نفوذش تا مدت‌ها پس از مرگش بردوام بوده است. برخی از منابع تعداد مریدان شیخ را در این نواحی تا صد هزار نفر نیز نوشته‌اند (سالاری شادی، ۱۳۸۶، ۵۳).

۳- تحلیل سبک معماری مقابر متصوفه آذربایجان

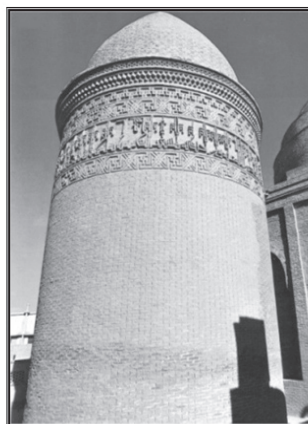
به لحاظ مشخصات کلی معماری، مقابر مزبور تحت تاثیر سبک معروف به آذری (دوره اول) قرار دارند که بر طبق نظر مرحوم پیرنیا از آمیزش و ترکیب و تلفیق معماری جنوب و سنت‌ها و روش‌هایی که از روزگاران کهن، بومی آذربایجان شده بود، پدید آمده است (پیرنیا، ۱۳۸۳، ۲۰۷). اغلب ویژگی‌های سبک مزبور از جمله ظرافت عناصر ساختمانی، تاکید بر ارتفاع بیشتر بناها، وجود سرداب، استعمال آجر قرمز و سنگ تراشیده و بهره‌گیری بیشتر از هندسه در طراحی معماری (کونل، ۱۳۵۵، ۹۵) در این مقابر نمایان است. اما علاوه بر اشتراکات سبک معماری آذری، برخی خصوصیات ویژه نیز در آنها مشاهده می‌شود که ضرورت نامگذاری سبک جدیدی را مطرح می‌سازد.

همانطور که می‌دانیم معماری ایلخانی هم جنبه جهانی و امپراتوری و هم جنبه محلی داشته است (ویلبر، ۱۳۷۴، ۳۶). مشخصات معماری مقابر فوق را می‌توان از نمونه‌های بارز جنبه‌های محلی این معماری دانست که عرفان و تصوف اسلامی در تکوین و بالندگی آن نقش مهمی را ایفا کرده است.

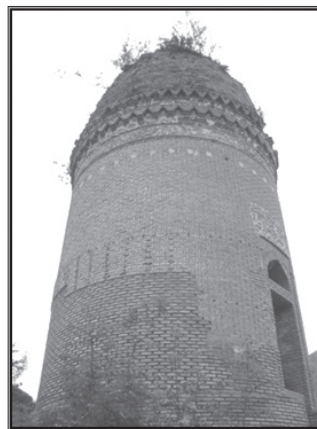
مقابر مزبور به لحاظ گونه شناسی معماری جزء دسته مقابر برجی شکل می‌باشند که به پیروی از رسم قدیم جدا و منفرد



تصویر ۱۸- نمای مقبره برجی پیر علمدار دامغان.



تصویر ۱۷- نمای مقبره برجی چهل دختران دامغان.



تصویر ۱۶- نمای مقبره برجی رسکت



تصویر ۱۵- نمای مقبره برجی لاجیم ماندران.

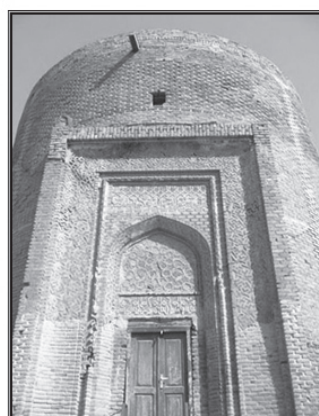
بخصوص منطقه اردبیل و اطراف آن از قدیم الایام محل زندگی و سکونت عارفان و صوفیان برجسته ای بوده است. وجود محلات قدیمی همچون پیر زرگر، پیر عبدالملک، پیر شمس الدین، پیر مادر، پیر سحران و پیر ابوسعید در شهر اردبیل خود بهترین گواه این مدعا است. به نظر می‌رسد مقابر فوق، بقایای مقابر متعددی باشند که طی این دوره توسط پیروان و مریدان، برای پیران طریقت و مرشدان صوفیه ساخته شده است. البته عوامل متعددی چون جنگ‌ها و تخریب‌های متعدد و نیز عوامل جوی و اقلیمی منطقه و یا عوامل دیگری چون کم‌اهمیت تر بودن سایر مقابری از این دست، باعث بر جای ماندن تنها سه مقبره شده باشد.

ع- تفاسیر صوفیانه تزیین و ساختار

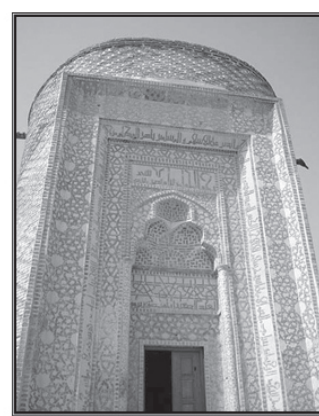
ع-۱- شيوه تزیین جداره بیرونی:

همانگونه که پیشتر اشاره شد، مهمترین بخش تزیینات مشترک مقابر فوق، خطوط کوفی بنایی بدنه خارجی مقابر است که در دو مورد صرفاً با متن مقدس «الله» متبرک گشته و بطور خاص در مورد مقبره شیخ صفی به خاطر تکرار زیاد این کلمه مبارک، به نام گنبد «الله» شهرت یافته است. می‌دانیم که موضوع علم عرفان صحبت در رابطه با ماوراء و وصل الی الحق است و رسیدن به حق مهم‌ترین هدف عارف است و از آنجا که در این کتیبه به استثنای کلمه الله چیز دیگری وجود ندارد؛ یقیناً هنرمند در طراحی آن، بیانی بیش از یک نقش تزیینی را و به احتمال زیاد تاویلی تجسمی از آیه سوم سوره حدید با مضمون «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن» را مدنظر داشته است (خزایی، ۱۳۸۲، ۱۳۱-۱۳۰).

بنابر دیدگاه عرفانی در رابطه با انسان، «پایانها بازگشت به آغازهاست» یعنی انسان که از بالا به پایین نزول کرد، برای رسیدن به حق باید از پایین یا همان نقطه نزول به بالا یعنی سمت نقطه عروج برسد. طبق نظر عارف، انسان باید با قدم سیر و سلوک به مرحله‌ای که از آنجا آمده باز گردد. لازم به ذکر است که توحید مد نظر عارف که قله منبع انسانیت و آخرین مقصد سیر و سلوک به شمار می‌رود با توحید مردم عامی و حتی با توحید فیلسوف (یعنی اینکه واجب الوجود یکی است نه بیشتر) از زمین تا آسمان متفاوت است. توحید عارف



تصویر ۱۹- نمای مقبره برجی سه گنبد ارومیه.



تصویر ۲۰- نمای مقبره برجی گنبد مدور مراغه.

مطابق همین کتیبه‌ها، به لحاظ قدمت ساخت، آرامگاه بردع (۷۲۲ هـ) از دو مقبره دیگر قدیمی‌تر است و پس از آن مقبره معروف به شیخ حیدر (۷۳۱ هـ) و در نهایت مقبره شیخ صفی (۷۳۵ هـ) ساخته شده است. بنابراین نزدیکی تاریخ‌های ساخت سه مقبره طی نیمه اول قرن هشتم هجری بین سال‌های ۷۲۲ تا ۷۳۵ هـ یکی از نکات مهم و قابل توجه است. مخصوصاً مقابر بردع توربه سی و شیخ صفی که با تفاوت زمانی اندکی از هم ساخته شده‌اند، دارای شباهت‌های بیشتری می‌باشند بطوریکه چنین به نظر می‌رسد که در ساخت مقبره شیخ صفی از بردع توربه سی الگوبرداری شده است. به لحاظ سبک تزیینات و ارتفاع نیز، مقبره شیخ صفی یک روند تدریجی تحول و پیشرفت را نشان می‌دهد. بنابراین مقبره شیخ صفی نمونه کامل این سبک مقبره‌سازی محسوب می‌شود که به دلایل نامعلوم در دوره‌های بعدی تداوم نیافته است و فقط طی دوران صفویه در ساخت بعضی از مقابر مانند مقبره شاه اسماعیل صفوی الگوبرداری‌هایی از آن صورت گرفته است.

محدوده زمانی این سبک مقبره‌سازی، نیمه اول قرن هشتم و حوزه جغرافیایی رواج آن منطقه شرق آذربایجان مخصوصاً استان اردبیل امروزی در ایران و منطقه قراباغ آذربایجان در مجاورت آن می‌باشد که از مهمترین مناطق صوفی‌گری در دوران اسلامی مخصوصاً دوره ایلخانی محسوب می‌شده است.

۴-۲- شیوه طراحی پلان:

در حالت کلی می‌توان برای هر شکل، دو مفهوم ساختاری و ادراکی در نظر گرفت. مفهوم ساختاری یا صوری هر شکل آشکار است و آن را فارغ از دیدگاه‌ها و فرهنگ‌های گوناگون می‌توان مورد شناسایی و بررسی قرار داد، در حالیکه مفهوم ادراکی شکل به صورتی پیچیده و پنهان با عوامل بسیار متنوع و متعدد از جمله فرهنگ عمومی یک جامعه، سنت‌های گذشته، آگاهی‌ها و سلیقه‌های گروهی و فردی، محیط و زمینه قرارگیری شکل و ویژگی‌های کالبدی آن بستگی دارد (دیباچ و سلطان زاده، ۱۳۷۷، ۱۰ و ۱۱). در هنر آمیخته به عرفان اسلامی نیز، هنرمند به جای کاربرد مستقیم مفاهیم اصلی از رمز و راز و مجاز نهفته در بطن اثر هنری کمک می‌گیرد که رمزپردازی با اشکال و اعداد یکی از آنهاست. در مقابر مورد بحث نیز اشکال، احجام و اعداد فقط جنبه عملکردی و تزئینی صرف نداشته، بلکه انتخاب آنها با توجه به مفاهیم عرفانی و معنوی صورت گرفته است؛ در واقع هر شکل و عدد به معنای رمزی خود طنین وحدت و با تازب کیفیتی است که در بطن آن، وحدت نهفته است.

پیشتر ذکر شد که بدنه بیرونی بناهای فوق بصورت دایره‌ای طراحی شده و از قسمت کف تا پایه گنبد، شکل یک استوانه بزرگ را تداعی می‌کند. بی شک انتخاب فضای مدور در این قسمت با توجه به خواص ذاتی این طرح صورت گرفته است، زیرا می‌دانیم که در اسلام شکل مدور تنها شکل کاملی دانسته شده که قادر به بیان جلال خداوندی است (دوبوکور، ۱۳۷۳، ۱۰۴).

لازم به ذکر است که در دوران اسلامی ایران، مقبره‌ها اغلب با نقشه‌های مدور، مربع و هشت ضلعی با شیوه‌های گوناگون معماری احداث شده‌اند (کیانی، ۱۳۷۴، ۱۰). همچنین به جز مقابر از پلان مدور برای ساخت بناهای مختلفی مانند مقابر برجی شکل، کبوترخانه‌ها، رصدخانه‌ها و نظایر آنها نیز استفاده شده است. اما آنچه در مورد مقبره شیخ صفی یک استثناء می‌باشد تفاوت بین فضای استوانه‌ای بیرونی با فضای هشت ضلعی درونی و همچنین ارتفاع زیاد مقبره با توجه به نوع گنبد روی آن است. زیرا در مقابر برجی شکل با این ارتفاع معمولاً گنبدها بصورت رک یا مخروطی دیده می‌شوند و جداره بیرونی بنا نیز بصورت پرده‌دار ساخته شده است. با توجه به این موارد به نظر می‌رسد علت کاربرد پلان مدور با مشخصات فوق در راستای مفاهیم خاص عرفانی بوده باشد.

به عنوان مثال انتخاب طرح مدور برای فضای بیرونی بنا می‌تواند کنایه از جمعیت و حلقه صوفیان و یا محل تجمع صوفیان یعنی خانقاه باشد. در ابیات زیر «صوفی شیرازی» به خوبی این معنا را به رشته نظم در آورده است:

صوفی هر کس که بوالفضول افتاده است

از دایره دور دور افتاده است

از گردش چرخست که بسدمیرقصیم

این دایره سخت بی اصول افتادست.

(دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل کلمه دایره)

از سوی دیگر دایره نماد حرکت همیشگی یا همان «هو الحی» می‌باشد که همیشه در حال حرکت و مظهر بی کرانگی و سیالیت

یعنی وجود حقیقی منحصر به خداست، جز خدا هر چه هست، نمود است نه بود؛ توحید عارف یعنی جز خدا هیچ نیست؛ توحید عارف یعنی طی طریق کردن و رسیدن به مرحله جز خدا هیچ ندیدن که البته همین اعتقاد مخالفانی نیز دارد. از نظر عرفا رسیدن به این مرحله کار عقل و اندیشه نیست بلکه کار دل و مجاهده و سیر و سلوک و تصفیه و تهذیب نفس است (مطهری، ۱۳۸۷، ۵۴۴). بنابراین آنچه انسان را به خدا راه می‌نماید نه عقل است که معتزله می‌گویند و نه دلیل است که اشاعره می‌پندارند، بلکه خود خداست (زرین کوب، ۱۳۴۴، ۴۲).

کاربرد این کتیبه همچنین می‌تواند با اسم اعظم خداوند که در برخی تعبیرات عرفانی بزرگترین نام خداوند محسوب می‌شود نیز مرتبط باشد. در مورد اسم اعظم و اینکه کدامیک از اسماء الله اسم اعظمند و در چه سوره‌ای از سوره قرآن است و آیا اسم خاصی از اسماء الله اعظمست یا نه، اختلاف آراء است. در میان نظرات مختلف یک نظر وجود دارد که قائل به اسم اعظم بودن خود کلمه الله است (سجادی، ۱۳۷۰، ۹۵).

نام الله حاوی اسماء الله است و در آن واحد هم نام ذات خداوند است و هم ترکیبی از همه صفات و اسماء الهی (نصر، ۱۳۷۹، ۳۹). بنا بر همین دلایل، نام الله یکی از انکار لاینقطع اغلب صوفیان محسوب می‌شده است. قیصری در شرح فصوص می‌گوید: «اسماء الهی از جهتی منقسم بر چهار قسمت می‌شوند که آنها را امهات اسماء گویند و عبارتند از اول و آخر و ظاهر و باطن که جامع آنها الله و رحمن است» (قیصری، ۱۳۹۹، ۳۲).

از سوی دیگر کاربرد کتیبه صرف الله در سرتاسر بدنه مقبره می‌تواند نماد یکی از مهمترین مسائل مطرح در جهان بینی عرفانی یعنی وحدت وجود باشد. وحدت وجود به این معنا که وجود، تنها خدا و او واحد است. در این دیدگاه، عارف با نفی دنیا تنها یک حقیقت را شاهد است که وجود دارد و باقی در متن آن وجود، موجودند و صاحب حیات و جنبش. هر آنچه هست اوست و باقی هم جزئی از اویند نه جدا از او؛ مانند نسبت قطره و یا موج با اقیانوس که هر کدام از آنها مجزا از اقیانوس قابل تصور نیستند.

و نهایتاً اینکه استفاده از کتیبه الله بصورت چهار تایی که از کنار هم قرار گرفتن حرف آخر هر چهار الله، چهار مربع متقارن تشکیل می‌شود، می‌تواند نمادی از احاطه نامحدود خداوند بر تمامی جهت‌ها، مکان‌ها و زمان‌ها و یا حضور همه جانبه خداوند در زندگی متصوفه نیز باشد.

در مورد مقبره شیخ حیدر نیز هر چند در کنار کتیبه الله از آیات ۲۸-۲۷ سوره فتح استفاده شده اما نگارنده معتقد است انتخاب این آیات هم هدفدار و احتمالاً در راستای انتقال همان مفاهیم صوفیانه‌ای بوده که از کتیبه الله برداشت می‌شود. نکته جالب توجه در رابطه با کتیبه آیات سوره فتح اینست که عین همین آیات در تزئین قسمت داخل دارالحفاظ و شاه نشین بقعه شیخ صفی نیز بکار رفته است. در آیه ۲۷ این سوره به تراشیدن موی سر و کوتاه کردن ناخن اشاره شده که می‌دانیم جزء اعمال صوفیان بوده است. در آیه ۲۸ این سوره نیز گواهی بودن خداوند متعال در رابطه با برتری دین اسلام بیان شده است. در تفسیری عرفانی از این آیه، گواهی بودن خداوند بر درستی مسلک و طریقت صوفیان و نوع ارتباط این عده با خداوند که بیشترین اهمیت به دل و حال داده می‌شود را نیز می‌توان برداشت نمود.

احتمالاً به شکل نمادینی با طبقات هشت گانه بهشت یا هشت باغ به ترتیب: اول خلد، دوم دارالسلام، سوم دارالقرار، چهارم جنت عدن، پنجم جنت الماوی، ششم جنت النعیم، هفتم علین و هشتم فردوس مرتبط است (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل کلمه هشت) که با جایگاه ابدی مورد انتظار صوفیان متناسب است. از سوی دیگر این انتخاب می‌تواند بر اساس هشت صفات یا هشت مرحله تصوف مشتمل بر معرفت الله، علم، شکر در همه حال، رضا به قسمت ازلی، صبر بر بلا و قلت رزق، تعظیم امر خداوند، شفقت بر خلق خداوند و عفت (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل کلمه هشت صفات) که از مهم ترین اصول عرفان اسلامی به شمار می‌رود، صورت گرفته باشد. لازم به ذکر است که در مقابر شیخ صفی و بردع، شکل هشت ضلعی فضای داخلی در قسمت فوقانی مقبره، قاعده هشت ضلعی پایه گنبد را تشکیل می‌دهد که این قاعده هشت وجهی نیز می‌تواند کنایه از کرسی الهی و نیز عالم فرشتگان باشد (نصر، ۱۳۷۵، ۵۳). طرح ۱۲ ضلعی مقبره مشکین شهر نیز احتمالاً تحت تاثیر اعتقادات شیعی طراحی شده است زیرا می‌دانیم مصادف با آن زمان، تصوف ارتباط تنگاتنگی با تشیع داشته است.

آسمان و وحدت در عین کثرت است. این شکل از زیباترین و کامل‌ترین اشکال هندسی است که کمال را تداعی می‌کند و تنها نشان وحدانیت و نشانه عالم نامحدود و بیکران روح و نمادی از خود بی خود شدن است. طرح مزبور همچنین می‌تواند استعاره از دایره وجود باشد که در عالم عرفان، جهان وجود و مقام عشق را گویند (سجادی، ۱۳۷۰، ۳۸۰). علاوه بر مفاهیم فوق الذکر، دایره نمادی از خلاقیت، یعنی خلق جهان در مقابل خالق نیز می‌باشد و به همین مناسبت، دوایر متحدالمركز نمایانگر طبقات و سلسله مراتب وجود هستند (نوزایی و شه بخش، ۱۳۸۵، ۱۳۲). همانطور که از بررسی مطالب فوق الذکر برمی‌آید کاربرد طرح مزبور در راستای مفاهیم خاص عرفانی صورت گرفته است زیرا موضوعاتی چون وحدت در عین کثرت، دایره وجود و سلسله مراتب وجود همه از اساسی ترین مفاهیم عرفان اسلامی بشمار می‌روند.

در مقابر فوق بر خلاف فضای بیرونی که به شکل استوانه‌ای و مدور طراحی شده، فضای داخلی به شکل کثیر الاضلاع (۸ و ۱۲ ضلعی) می‌باشد. فضای هشت ضلعی در این نوع طراحی

نتیجه

عمده‌ای بخصوص در زمینه تزیینات کاشیکاری و نقاشی مواجه شده‌اند که این امر اصالت بنای اولیه دوره ایلخانی را تا حدودی از بین برده و موجب ایجاد برخی تفاوت‌های جزئی ظاهری بین مقابر مزبور شده است. در جمع بندی مطالب می‌توان اینگونه پنداشت که معماران و تزیین کاران آذربایجان طی دوره زمانی مورد بحث، بر طبق سفارش حامیان مالی مقابر، برخی اصول عرفانی و صوفیانه را در ساخت و تزیین آنها لحاظ کرده‌اند که منجر به پیدایش سبک نوینی از مقابر برجی شکل در منطقه شده است. این سبک نوین را می‌توان سبک فرعی دوره اول سبک آذری دانست که در مشخصات معماری ترکیب و تلفیقی از مقابر برجی شکل اوایل دوره سلجوقی در دامغان و مازندران و اواخر دوره مزبور در غرب آذربایجان بعلاوه مشخصات عمده معماری ایلخانی و معماری بومی و محلی است که تحت تاثیر عرفان و تصوف اسلامی هویت مستقل یافته است.

طی دوره ایلخانی در سرزمین آذربایجان و بطور خاص در منطقه اردبیل سبک ویژه و مستقلی از معماری تدفینی بصورت مقابر برجی شکل تکوین یافته است که علیرغم تشابهات ساختاری با مقابر هم‌دوره منطقه و کل ایران، دارای برخی خصوصیات ویژه نیز می‌باشد. با توجه به ویژگی‌های طراحی پلان و تزیین چنین به نظر می‌رسد که سبک مزبور، تحت تاثیر کامل و مستقیم عرفان و تصوف اسلامی بخصوص طریقت صوفیانه شیخ زاهد گیلانی و شیخ صفی الدین اردبیلی در نیمه اول قرن هشتم هجری بوده است. با توجه به نزدیکی جغرافیایی بردع با شهر اردبیل و مشکین شهر احتمال تاثیر و تاثر معماری مقابر این مناطق از یکدیگر طی دوره ایلخانی کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. البته باید توجه داشت که ویژگی‌های معماری این ساختمان‌ها دلیل بارزی هستند بر ادامه سنت‌های پیشین، که علیرغم تاخت و تاز مغولان تا حد قابل ملاحظه‌ای پایدار مانده‌اند. از سوی دیگر برخی از این مقابر مانند مقبره شیخ صفی در دوران صفوی با تغییرات

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ بسم الله الرحمن الرحيم. شهدالله انه لا اله الا هو الملائکه و اولوا العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم. ان الدين عندالله الاسلام. (آل عمران/ ۱۹ و ۱۸) خدا که همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست؛ و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند که]: جز او، که توانا و حکیم است؛ هیچ معبودی نیست، در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است.

- ۲ هوالحی لا اله الا هو فادعوه مخلصین له الدین الحمد لله رب العالمین (مومن/ ۶۵) اوست [همان] زنده‌ای که خدایی جز او نیست. پس او را در حالی که دین [خود] را برای وی بی‌آلایش گردانیده‌اید بخوانید. سپس [ها همه] ویژه‌ی خدا پروردگار جهانیان است.
- ۳ ذلک الله ربکم لا اله الا هو خلق کل شیء فاعبدوه و هوی علی کل شیء وکیل. لاتدرکه آلا بصر و هو یدرک الابصر و هوالطیف الخبیر. (انعام/ ۱۰۲ و ۱۰۳) این است خدا، پروردگار شما: هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده‌ی هر چیزی است. پس او را بپرستید، و او بر هر چیزی نگهبان است. چشمها او را در نمی‌یابد و اوست که دیدگان را درمی‌یابد، و او لطیف آگاه است.
- ۴ الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هوالقوی العزیز. (شوری/ ۱۹) خدا نسبت به بندگانش مهربان است هر که را بخواهد روزی می‌دهد و اوست نیرومند غالب.
- ۵ خدایا مرا در زندگی فقیر دار و فقیر بمیران و در صف فقیران محشور فرما.
- ۶ من قال لا اله الا الله صدق و لم والله دخل الله (به خط کوفی زرد) فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ : پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست؛ و برای گناه خویش آمرزش جوی.
- ۷ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ. لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ: آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند، همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده‌اند، در زندگی دنیا و در آخرت مژده برای آنان است.
- ۸ در روش گچبری پته، کرباس را آهار می‌زنند تا مثل مقوا گردد سپس روی آن گچ مالیده، گچبری مورد نظر را انجام می‌دهند. پس از آن کرباس گچبری شده را بصورت یک تزیین روی دیوار می‌چسبانند. برای چسباندن کرباس روی دیوار علاوه بر چسب از میخ هم استفاده می‌شود. ضمناً سر میخ را به اشکال گوناگون مخروطی گلهای چند برگی در می‌آورند که خود این طرز کار هم از جمله شیوه‌های تزیینی است.
- ۹ لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمَنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا (۲۷) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ بِاللَّهِ شَهِيدًا (۲۸) مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ يَرَاهُمْ رُكْعًا سَجِدًا بِيَتَّعُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رَحْمَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۲۹) : حقا خدا رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید [که دیده بود] شما بدون شک به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی [و ناخن] کوتاه کرده‌اید با خاطری آسوده در مسجد الحرام در خواهید آمد خدا آنچه را که نمی‌دانستید دانست و غیر از این پیروزی نزدیکی [برای شما] قرار داد (۲۷) اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می‌کند (۲۸) محمد [ص] پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند آنان را در رکوع و سجود می‌بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است این صفت ایشان است در تورات و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود بر آورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده‌است (۲۹).

۱۰. Barda

۱۱. Zocheybana

فهرست منابع:

- ابدال زاهدی، شیخ حسین (۱۳۴۳)، سلسله النسب صفویه، انتشارات ایرانشهر، شماره ۶، برلین.
- انوشه، حسن (۱۳۸۲)، دانشنامه ادب فارسی، جلد پنجم، سرواژه بردعه، تهران.
- اولتاریوس، آدام (۱۳۷۹)، سفرنامه آدام اولتاریوس، ج ۲، حسین کردبچه، انتشارات هیرمند، تهران.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۳)، سبک شناسی معماری ایرانی، نشر معمار، تهران.
- دوبوکور، مونیکی (۱۳۷۳)، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، چاپ اول، نشر مرکز، تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، دوره جدید، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- دیباچ، سید موسی و سلطان زاده، حسین (۱۳۷۷)، فلسفه و معماری، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- رایس، دیوید تالبوت (۱۳۸۱)، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- رجبی اصل، موسی (۱۳۸۱)، نقش و رنگ در بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، انتشارات شیخ صفی الدین اردبیلی، اردبیل.
- زاره، فردریش (۱۳۸۵)، بقعه شیخ صفی، ترجمه صدیقه خوانساری موسوی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۴۴)، ارزش میراث صوفیه، انتشارات آریا، تهران.
- سالاری شادی، علی (۱۳۸۶)، بازنگری در احوال و مناسبات شیخ صفی الدین اردبیلی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره پنجاهم، صص ۴۵-۶۹.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۰)، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، انتشارات طهوری، تهران.
- شهاب نیا، الهام (۱۳۸۷)، آرامگاه مومنه خاتون، وبگاه اینترنتی گروه معماران پاسارگاد، به نشانی اینترنتی: <http://www.parseged2007.blogfa.com/post-42.aspx>.
- شهریاری، شراره (۱۳۷۷)، نقش آجر کاری در تزیین مقابر دوره سلجوقی قرن ۵ و ۶ هـ ق در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، تهران.
- صفری، بابا (۱۳۷۱)، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۲، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل.
- غروی، مهدی (۱۳۷۶)، آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- قیصری، داوود (۱۳۹۹)، شرح فصوص الحکم ابن عربی، چاپ سنگی، تهران.

- کمپفر (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر در دربار شاهنشاه ایران، ترجمه کیکاووس جهاندار، انتشارات خوارزمی، تهران.
- کونل، ارنست (۱۳۷۶)، هنر اسلامی (تاریخ هنر ایران ۵)، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، انتشارات مولی، تهران.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۴)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، انتشارات سمت، تهران.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۸)، معماری ایران دوره اسلامی؛ فهرست بناها، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- گلمغانی زاده، ملکه و یوسفی، حسن (۱۳۸۴)، باستان شناسی و تاریخ هنر بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، نیک آموز، اردبیل.
- لسترنج (۱۳۷۳)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان: چاپ چهارم، تهران.
- مشکواتی، نصرالله (۱۳۴۹)، فهرست بناهای تاریخی و اماکن تابستانی ایران، سازمان حفاظت آثار باستانی ایران، تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، تهران.
- معصومی، غلامرضا (۱۳۸۳)، تاریخچه علم باستان شناسی، انتشارات سمت، تهران.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۹)، جوان مسلمان و دنیای متجدد، مترجم مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو، تهران.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۵)، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، انتشارات دفتر مطالعات دینی هنر، تهران.
- نوزایی عباس و شه بخش، سعید (۱۳۸۵)، تحلیل محتوای نقشمایه‌های به جا مانده از تمدن شهر سوخته سیستان، مجله کتاب ماه هنر، مرداد و شهریور، صص ۱۲۸-۱۴۰، تهران.
- نوبختی خیاوی، سلیمان (۱۳۸۰)، خیاو گمشده تاریخ، نشر قو، تهران.
- ویلبر، دونالد (۱۳۷۴)، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی، ترجمه عبدالله فریار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۶۶)، مقابر در معماری ایران دوره اسلامی، به کوشش محمد یوسف کیانی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- Aslanapa, Oktay. (1979), *Kirim ve Azerbaycan'da Türk Eserleri*, Istanbul, Baha Matbaasi.
- Bosworth, C. E. (1983), "Barda'a" *The Encyclopedia of Islam*, Leiden, E. J.